

تحلیل گفتمان برساخت‌گرایی فرهنگی در فالنامه‌ی طهماسبی (نسخه پراکنده و درسدن) بر اساس دیدگاه لاکلو و موف

فرزانه واحد دهکردی^۱؛ زهره خاوری^۲

چکیده

تحلیل گفتمان نه یک رویکرد واحد بلکه مجموعه‌ای از رویکردهای میان رشته‌ای است که می‌توان آن‌ها را در انواع گوناگون مطالعات اجتماعی و فرهنگی استفاده نمود. برساخت‌گرایی چتری است که مجموعه‌ی متنوعی از نظریه‌هایی جدید راجع به فرهنگ و جامعه را در خود جای می‌دهد. پژوهش حاضر به هدف "تحلیل گفتمان برساخت‌گرایی فرهنگی در فالنامه‌های طهماسبی (نسخه‌ی پراکنده و درسدن) بر اساس دیدگاه لاکلو و موف" که نگاهی دارد به گفتمان‌های فرهنگی حاکم در دوره‌ی صفوی و بازنمود آن در فالنامه‌ی طهماسبی، در راستای پاسخ به این سؤال است که گفتمان فرهنگی ناظر بر هنر دوره‌ی صفوی چگونه شکل گرفته و منجر به بازنمود چه مضامینی در نگاره‌های فالنامه‌ی طهماسبی (نسخه پراکنده و درسدن) شده است؟ این پژوهش به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی و رویکرد آن کیفی است. بر این اساس پس از مطالعات کتابخانه‌ای به جهت شناخت گفتمان و عناصر آن از منظر لاکلو و موف، انواع ویژگی‌های گفتمان برساخت‌گرایی فرهنگی در فالنامه‌ی طهماسبی تبیین شده و ضمن مشاهده‌ی آثار، به یافتن نگاره‌هایی با مضامین منطبق بر گفتمان مسلط جامعه‌ی صفوی در ۲۸ نگاره از دو نسخه‌ی مصور فالنامه‌ی طهماسبی (پراکنده و درسدن) به صورت

۱. استادیار گروه هنر دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی دکتری در تاریخ مقایسه‌ای و تحلیلی هنر اسلامی، دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

طبقه‌بندی و هدفمند پرداخته و سپس خوانش جدیدی از نگاره‌های انتخابی بر مبنای نظریات لاکلو و موف بر پایه‌ی برساخت‌گرایی فرهنگی ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد گفتمان فرهنگی دوره‌ی صفویه حول دال‌های تشیع، ولایت و منجی شکل گرفته و توانسته حوزه‌ی گفتمان‌گونه‌ی حاکمیت سلطان را با ولایت شیعی و ملیت ایرانی پیوند دهد و آن را هژمونی^۱ بخشد. این هژمونی زمینه‌ی فرهنگی و ایدئولوژیکی حفظ سلطه‌ی طبقه‌ی حاکم از طریق کنترل اجتماع را فراهم می‌سازد؛ بنابراین در نگاره‌های فالنامه‌های طهماسبی که در این دوره مصور شده، معانی مدنظر گفتمان مسلط بازتولید می‌شوند که نمایش دهنده‌ی روابط قدرت حاکم بر فرهنگ جامعه و برساخت‌گرایی فرهنگی می‌باشند.

واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان، هنر صفوی، لاکلو و موف، برساخت‌گرایی فرهنگی،

فالنامه‌ی طهماسبی

۱. Hegemony به معنی تسلط عده‌ای بر دیگران، تسلط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی عده‌ای بر عده‌ی دیگر

مقدمه

با بررسی نظام‌های شکل‌گیری انسجام فرهنگی و اجتماعی و هویت مشخص در یک جغرافیای سیاسی که منجر به بروز فرهنگ کلی یک ملت و هویت ملی آن می‌شود، می‌توان دید که این نظام‌ها به گونه‌ای کاملاً فعال از طریق ساخت‌های گفتمانی در یک مقطع زمانی و مکانی خاص شکل گرفته‌اند. بنابراین وجود هویت سرزمینی به گفتمان معینی بستگی دارد که قبل از هر نوع عینیتی در این جغرافیا حضور دارد. این گفتمان در عرصه کسب قدرت مشغول رقابت با دیگر گفتمان‌ها است که خواهان نظم بخشیدن به امور سیاسی و اجتماعی جامعه هستند. به بیان دیگر هویت عینیت یافته در یک سرزمین، حاصل مجموعه‌ای از روابط انتظام‌یافته توسط قدرت سیاسی است که در مقطع خاصی از تاریخ یک وجود عینی به نام سرزمین را معنا می‌بخشد. تغییر سیستمی توسعه فرهنگی با کنش ابزاری-استراتژیک نسبت دارد و خاصیت تغییر فرهنگی به دست خرده نظام‌های اقتصاد و سیاست است و از طریق القاء و اجبار بر افراد جامعه اعمال می‌شود. اگر این تغییر با اوضاع و اقتضائات اجتماعی جامعه هماهنگی داشته باشد، مورد قبول جامعه قرار می‌گیرند.

صفویان یکی از مهم‌ترین دوران تاریخ فرهنگی-اجتماعی و سیاسی ایران را رقم زدند. از یک سو با یکپارچه کردن ایران به وسیله رسمیت دادن به آیین تشیع و از سوی دیگر به علت ثبات طولانی مدت، زمینه‌های تغییرات و توسعه فرهنگی را فراهم آوردند. شاه اسماعیل با دعوی گماشتگی از سوی امام زمان (عج) مدعی شد که هر چه انجام می‌دهد به حکم و اراده‌ی صاحب‌الامر است. هنگامی که او در رأس مریدانش وارد تبریز شد و تشیع را به عنوان مذهب رسمی اعلام نموده و مشروعیت خود را به دست آورد. «صفویه تعارضات گریز ناپذیری با اهل سنت ایجاد کرده بود. مهم‌ترین چالش منطقه‌ای صفویه قدرت جهانی عثمانی بود که خود را وارث خلافت اسلامی می‌دانست. همچنین ازبکان نیز که سنی مذهب بودند و در حافظه تاریخی مردم ایران با جنگ و حمله شناخته می‌شوند، بر این امر دامن زدند. تا جایی که این غیریت‌سازی یکی از دلایل مهم پذیرش مذهب شیعه توسط مردم عادی قلمداد می‌گردد. شاهان صفویه با استفاده از حس ملی-مذهبی مردم کشور را از هجوم مستمر عثمانی و ازبکان و ترکمانان امن ساختند و از طرف دیگر روابط خود را با کشورهای دیگر از جمله اروپاییان و هند گسترش دادند» (طاهریان، ۱۳۹۲، ۱۰۱). این روابط گسترده و تبعات آن

باعث شکوفایی فرهنگی و تجاری در عهد صفویه شد. علاقه‌مندی شاهان صفوی به‌خصوص شاه طهماسب به فرهنگ و هنر منجر به شکل‌گیری دوره‌ی خاصی در هنر کتاب‌آرایی این دوره شد. فالنامه‌های مصور که مجموعه‌ای از تصاویر خیر و شر جهت تعیین فال نیک و بد می‌باشند، حاوی مضامین و موضوعاتی هستند که با گفتمان حاکم در این دوره منطبق است. فالنامه‌ی طهماسبی در دو نسخه مشهور به "فالنامه پراکنده" با نگاره‌هایی در موزه‌های متعدد و همچنین یک مجموعه نگاره محفوظ در کتابخانه درسدن تحت عنوان "نسخه درسدن" از شاهکارهای هنری دوره‌ی صفوی است. این پژوهش به هدف "تحلیل گفتمان برساخت‌گرایی فرهنگی در فالنامه‌های طهماسبی (نسخه‌ی پراکنده و درسدن) بر اساس دیدگاه لاکلو و موف" در راستای پاسخ به پرسش‌های زیر است:

- ۱- گفتمان فرهنگی ناظر بر هنر دوره‌ی صفوی چگونه شکل گرفته و چه معانی را تثبیت نموده است؟
- ۲- گفتمان حاکم بر جامعه و فرهنگ دوره صفوی منجر به بازنمود چه مضامینی در نگاره‌های فالنامه‌ی طهماسبی (نسخه پراکنده و درسدن) شده است؟

روش پژوهش

این پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و در آن ابتدا به تبیین گفتمان مسلط و بررسی وجوه گفتمان‌گونگی آن و چگونگی مفصل‌بندی دال‌ها از طریق منابع کتابخانه‌ای پرداخته شده و همچنین مفاهیم حوزه‌ی نقد گفتمانی از دیدگاه لاکلو و موف توضیح داده می‌شوند. سپس بر اساس مطالعات اسنادی و مشاهده آثار، این مفاهیم در نگاره‌های فالنامه‌های مصور دوره‌ی صفوی به‌عنوان یکی از محصولات گفتمانی که برساخت فرهنگی این دوره است، مورد تطبیق و تحلیل قرار می‌گیرند. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها کیفی است.

جامعه‌ی آماری پژوهش فالنامه‌ی طهماسبی شامل دو نسخه با عنوان: فالنامه‌ی پراکنده طهماسبی با ۲۹ نگاره‌ی شناسایی شده و فالنامه‌ی شاه طهماسبی نسخه‌ی درسدن با ۵۱ نگاره می‌باشند. مجموعاً ۲۸ نگاره؛ ۱۳ نگاره از فالنامه پراکنده و ۱۵ نگاره از فالنامه درسدن؛ به عنوان نمونه به روش طبقه‌بندی به‌صورت هدفمند انتخاب و عناصر گفتمان لاکلو و موف در آن‌ها تحلیل شده است. لازم به ذکر است که در برخی از نمونه‌ها بیش از یکی از عناصر گفتمانی

قابل تشخیص است اما به دلیل محدودیت نوشتار، ذیل عنصر مورد نظر به آن پرداخته و در جدول به سایر عناصر گفتمانی آن اشاره شده است. نگارندگان در انتخاب نمونه‌ها جهت تأکید مضامین، به نگاره‌های مشابه در دو نسخه توجه نموده‌اند.

پیشینه پژوهش

گرچه در حوزه‌ی تحلیل گفتمان فرهنگی آثار نگارگری صفوی پژوهشی صورت نگرفته اما مقالاتی که وجوه مشترک با پژوهش حاضر دارند به این شرح آورده می‌شوند: در ارتباط با فالنامه‌های مصور می‌توان اشاره کرد به مقاله‌ی مهدی‌زاده (۱۳۹۶) با عنوان «بررسی روند تجلی مضامین شیعی در نگارگری ایران» که در آن به بررسی سیر تاریخی تفکر شیعی و روند تجلی این مضامین در نگارگری ایلخانی تا صفویه پرداخته و بدون توجه به زمینه‌های بروز و تحلیل گفتمان حاکم به بررسی چگونگی مصور سازی مضامین شیعی بیان نموده است.

واحدده‌کردی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «شناسایی و تبیین ماهیت شر در نگاره‌های فالنامه‌ی درسدن بر اساس آراء ملاصدرا» که در نشریه نگره به چاپ رسیده، به شناسایی نگاره‌های حاوی مضامین شر در فالنامه طهماسبی نسخه درسدن توجه داشته و نتیجه گرفته‌اند که انواع ماهیت شر برشمرده شده توسط ملاصدرا در نگاره‌های درسدن نمود یافته است. واحدده‌کردی (۱۴۰۱) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «تحلیل نمود گروتسک در فالنامه‌های مصور بر اساس آراء کایزر، باختین، هارفام و کوریلوک» پس از معرفی فالنامه‌های مصور دوره صفوی و شناخت نگاره‌های آن‌ها، گروتسک را در مضامین شر در فالنامه‌های مصور شناسایی و آن‌ها را با نظریات نظریه‌پردازان مطرح این حوزه تطبیق داده است.

در خصوص نظریه تحلیل گفتمان مقالات متعددی به چاپ رسیده است. از آن جمله می‌توان اشاره نمود به مقاله‌ی شیخه و همکاران (۱۳۹۹) با عنوان «بررسی تحلیلی رویکرد برساخت‌گرایی اجتماعی» که نویسندگان در آن به تعریف برساخت‌گرایی، انواع، مشخصه‌ها و سرچشمه‌های آن پرداخته و سپس مبانی آن را مورد تحلیل قرار داده و دریافته‌اند برساخت‌گرایی اجتماعی موضعی انتقادی و تکثرگرایانه نسبت به واقعیت اتخاذ می‌کند و در این امر، رویکرد فرد و جامعه هر دو منشأ اثر هستند.

شفیعی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «نشانه‌شناسی اجتماعی واقعه معاد در نگارگری عصر صفوی» با هدف هویت‌یابی سلسله‌ی صفوی و پارادایم مسلط به مطالعه‌ی واقعه‌ی معاد در عصر صفوی پرداخته و نتیجه گرفته که نحوه‌ی قاب‌بندی و تحلیل بصری نگاره‌ها منتج از فضای گفتمانی حاکم است که به نظام نشانه‌ای نقاشی نفوذ کرده به عنوان ابزار تبلیغی برای پیشبرد مقاصد دیپلماسی صفویه استفاده شود. رضایت‌بخش و چیت‌سازبان (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر گفتمان اجتماعی حاکم بر عصر صفوی در نگاره‌هایی با مضمون موسیقی با استفاده از رویکرد میشل فوکو» در تحلیل گفتمان با استناد به نگارگری انواع موسیقی و موانع اجتماعی و مذهبی در این راه را بررسی نموده و نتیجه گرفته‌اند که فلاسفه، عرفای اسلامی و مذهب شیعه تأثیر مستقیم بر طراحی صحنه‌های موسیقی در نگارگری آن دوره داشته و از آنجا که هنر وسیله‌ای برای نمایش قدرت حکومت بوده و این نگاره‌ها تحت تفکر حکومت صفوی و متکی بر اندیشه‌های سیاسی آنان است.

با توجه به پیشینه‌ی عنوان شده مطالعه‌ای که به‌صورت کلی گفتمان فرهنگی صفویه را به روش تحلیل گفتمان لاکلو و موف بررسی نماید و نشان دهنده نحوه‌ی مفصل‌بندی عناصر و شکل‌گیری و اوج این گفتمان در دل فرهنگ عامه مردم باشد انجام نشده؛ همچنین هیچ پژوهشی به تحلیل فضای گفتمان مسلط بر فالنامه‌های مصور دوره صفوی پرداخته است. پژوهش حاضر ابتدا گفتمان فرهنگی دوره صفوی را با رویکرد لاکلو و موف بررسی نموده و سپس نحوه‌ی مفصل‌بندی عناصر و شکل‌گیری این گفتمان در بطن فرهنگ عامه را نشان داده و نهایتاً با نگاره‌های فالنامه‌ی طهماسبی (نسخه پراکنده و درسدن) که در این دوره مصور شده، تطبیق می‌دهد. همچنین هنگام تطبیق نگاره‌های مشابه در دو نسخه فالنامه طهماسبی نگاره‌های با مضامین مشابه مربوط به نسخه فالنامه پراکنده شناسایی و معرفی می‌شوند؛ ضمن آن‌که عنوان منطبق با برخی نگاره‌های درسدن در نسخه منتشر شده از این فالنامه بر اساس نگاره‌ی مشابه در فالنامه‌ی پراکنده اصلاح می‌گردند.

مبانی نظری

قبل از بررسی نظریه تحلیل گفتمان طرح چند نکته مقدماتی ضرورت دارد که بر متن اصلی

سایه می‌افکند. به دلیل این که موضوع اصلی این مقاله تحلیل گفتمان فرهنگی است ابتدا به تعریف فرهنگ، تولیدات فرهنگی و ارتباط کنش‌های فرهنگی با یکدیگر و همچنین تبیین عوامل اجتماعی برساخت فرهنگی پرداخته و سپس نظریات تحلیل گفتمان و آراء لاکلو و موف ارائه خواهد شد.

۱. فرهنگ

قدیمی‌ترین تعریف فرهنگ آن را در کلیتی درهم تافته می‌داند که شامل دین، دانش، هنر، قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عادت‌ها که آدمی همچون عضوی از جامعه به دست می‌آورد (آشوری، ۱۳۷۵: ۳۹). فرهنگ به عنوان یک امر تشریحی همه‌ی ساختارهای ذهنی فرد یعنی نگره‌ها، معناها، عواطف و احساسات، ارزش‌ها، اهداف و مقاصد و باورهای است که برای فهمیدن جهان تجربی و واکنش دادن در برابر آن‌ها می‌آموزد و به کار می‌بندد. در واقع فرهنگ کلیتی است با مشخصه‌های ویژه که افراد یک جامعه کمابیش از آن بهره می‌برند و با این مشخصه‌ها از فرهنگ‌های دیگر جدا می‌شوند (همان: ۶۹). هر جا که بحث از یک اندیشه و ایده و یک معناست، فرهنگ است، چه فردی باشد و چه جمعی. از این نگاه که فرهنگ صرفاً امری جمعی و تاریخی است، مقبول نیست تأکید بر امر جمعی و تاریخی به معنی نفی بُعد عاملیت تفسیر و معنا شود. در کل می‌توان گفت فرهنگ معرفت مشترک با ویژگی تاریخی و با مؤلفه‌های هستی‌شناختی، ارزش‌شناختی، ایدئولوژی، هنجار شناختی و نماد شناختی در بُعد جمعی و عطف به وجود اجتماعی انسان در ابعاد گروهی و جامعه‌ای با کارکرد انسجام بخشی و تمایز بخشی است (افروغ، ۱۳۹۴: ۱۰). انسان‌شناس انگلیسی ادوارد تیلور فرهنگ را مجموعه‌ی پیچیده‌ای شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، سنن و تمام عادات، رفتار و ضوابطی قلمداد می‌کند که فرد به عنوان یک عنصر از جامعه‌ی خود فرا می‌گیرد و در برابر آن جامعه وظایف و تعهداتی را بر عهده دارد (احمدی، ۱۳۹۹: ۱۴۶). در واقع او فرهنگ را یک کلیت نظام‌مند می‌داند و به دنبال طبقه‌بندی قسمت‌های مختلف و عناصر آن بود. این دسته از تعاریف نظام یا خرده نظام فرهنگی یک جامعه را به عنوان مجموعه‌ای از باورها، آیین‌ها، اندیشه‌ها، ارزش‌ها، مسائل، موضوعات و مقولات مادی که تک‌تک افراد به عنوان اعضای گروه یا اجتماع آن‌ها را فرا می‌گیرند، لحاظ می‌کند (تامپسون، ۱۳۷۸: ۱۶۱).

تعاریف فوق جامعیت و نکات مهم درباره‌ی فرهنگ ایران دوره‌ی صفوی را پوشش می‌دهد. طبق این تعریف ادبیات، دین، تاریخ، اسطوره‌ها، ساختار اجتماعی مراکز علمی و فکری، حامیان سیاسی یا مالی سیاست‌های فرهنگی دولت‌ها، جریان فکری حاکم بر نمادهای فرهنگی همه تحت تأثیر فرهنگ زمانه و محصول فرهنگی تلقی شده‌اند.

۲. برساخت‌گرایی اجتماعی

برساخت‌گرایی اجتماعی نگرشی است که تأکید آن بر فهم معنای فرآیندهای اجتماعی در زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و دینی است. فرآیندهای اجتماعی‌ای هستند که روش‌های فهم جهان را خلق و حفظ می‌کنند. معرفت محصول تعامل اجتماعی است که در آن حقایق مشترک ساخته می‌شود. در قالب یک جهان‌بینی خاص برخی از انواع کنش‌ها طبیعی و برخی دیگر غیرقابل تصور به نظر می‌آیند. شناخت‌های اجتماعی مختلف از جهان به کنش‌های اجتماعی مختلفی منجر می‌شوند و در نتیجه برساخت اجتماعی حقیقت و دانش پیامدهای اجتماعی به‌همراه دارند (Burr, ۱۹۹۵: ۴-۵). به‌طور معمول وقتی از برساخت نام برده می‌شود به این معناست که آن چیز را نمی‌توان صرفاً یافت یا کشف کرد؛ بلکه آن امری ساخته‌شده است که فعالیت آگاهانه برخی از افراد در نقطه‌ی خاصی از زمان آن را پدید آورده است. برساخته‌ی اجتماعی به معنی این است که جامعه یا اجتماعی خاص، یعنی گروهی از افراد که به‌نحوی خاص و با ارزش‌ها، علایق و نیازهای خاصی سازمان یافته‌اند، آنرا ساخته‌اند (بوغوسیان، ۱۳۹۵: ۳۴). در واقع شکل‌گیری پدیده‌ها و ویژگی‌های آن‌ها در بستر نظام و تعاملات اجتماعی ناشی از تعامل با محیط و متن اجتماعی است که همواره در حال تحول است. تمام اجزای این نظام ارتباط معنایی تنگاتنگی با هم دارند و بدون ارتباط با یکدیگر فاقد معنا هستند؛ از این رو چیزی به‌عنوان خصوصیت‌های ماهوی و ذاتی برای کنش یا پدیده‌ی اجتماعی وجود ندارد (نقیب‌زاده و خشک‌جان، ۱۳۹۲: ۱۲).

۳. نظریه گفتمان لاکلووموف

هدف نظریه گفتمان فهم امر اجتماعی است به مثابه برساختی اجتماعی که می‌توان با استفاده از ابزارهای گفتمانی هر پدیده‌ی اجتماعی را تحلیل کرد. ایده کلی نظریه گفتمان این

است که پدیده‌های اجتماعی هرگز تام و تمام نیستند. معانی هیچ‌گاه نمی‌توانند برای همیشه تثبیت شوند و این امر راه را برای کشمکش‌های همیشگی اجتماعی بر سر تعاریف جامعه و هویت فرهنگی باز می‌گذارد که خود تأثیرات اجتماعی به همراه دارد و تحلیل گفتمان این جریان‌ها را نشان می‌دهد (یورکفسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۵۴). تجزیه و تحلیل کنندگان گفتمان راه‌هایی را می‌آزمایند که به واسطه‌ی آن‌ها ساخت‌های معنایی شکل‌های خاص عمل را ممکن می‌کنند. بر اساس نگرش فوکو^۱، گفتمان نه تنها بزرگتر از زبان است، بلکه کل حوزه اجتماع را در بر می‌گیرد و نظام‌های حقیقت را بر سوژه‌ها یا فاعلان اجتماعی تحمیل می‌کند (سلطانی، ۱۳۸۹: ۱۵۳). از نظر او قدرت هم مسئول خلق جهان اجتماعی ما و هم مسئول شکل‌گیری خاص این جهان و نحوه امکان گفت‌وگو درباره‌ی آن است، پس هم نیروی مولد و هم بازدارنده دارد (یورگتسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۳۷). ارنستو لاکلو^۲ و چانتال موف^۳ برداشت فوکو را در نظریه گفتمان سرلوحه کار خود قرار دادند. از نظر لاکلو و موف، هر عمل و پدیده‌ای برای معنادار شدن باید گفتمانی باشد و فعالیت‌ها و پدیده‌ها وقتی قابل فهم می‌شوند که در قالب گفتمانی خاص قرار بگیرند. هیچ چیزی به خودی خود دارای هویت نیست، بلکه هویتش را از گفتمانی که در آن قرار گرفته است کسب می‌کند (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۵۴). از نظر لاکلو و موف گفتمان هم عناصر زبانی و هم عناصر غیر زبانی را در بر دارد. آن‌ها گفتمان را صرفاً ترکیبی از گفتار و نوشتار نمی‌دانند، بلکه گفتار و نوشتار نیز خود اجزای کلیتی گفتمانی فرض می‌شوند. به زبان ساده‌تر گفتمان مجموعه‌ای معنی‌دار از علائم و نشانه‌های زبانی و فرازمانی است. (قجری و نظری، ۱۳۹۲: ۵۱) لاکلو و موف کلیه حالت‌هایی را که گفتمان طرد می‌کند میدان گفتمان می‌نامند. میدان گفتمان کلیتی ساختار یافته ناشی از عمل مفصل‌بندی گفتمان است. «مفصل‌بندی عبارت است از عمل متصل کردن دال‌هایی پراکنده به هم به گونه‌ای که هویتی جدید برای آن‌ها ایجاد شود. این دال‌های پراکنده عنصر نامیده می‌شوند و پس از اینکه درون گفتمانی خاص تثبیت شدند تبدیل به برهه می‌شوند. نقطه‌ی مرکزی نشانه‌ی برجسته و ممتازی است که نشانه‌های دیگر حول آن نظم پیدا می‌کنند» (لاکلو و موف، ۱۳۹۲: ۱۷۱).

1. Michel Foucault

2. Ernesto laclau

3. Chantal Mouffe

۱-۳. ویژگی‌ها و عناصر گفتمان لاکلو و موف

بسط مفاهیم و تعاریف در حوزه نقد گفتمان لاکلو و موف باعث ساده‌تر شدن تحلیل می‌شود ولی ابتدا باید این عناصر به صورت کامل شناخته شوند.

- مفاهیم حوزه دال و مدلول

اگرچه لاکلو و موف رابطه‌ای بودن نظام نشانه شناختی گفتمان را از سوسور^۱ وام گرفته‌اند اما ثابت بودن دال و مدلول را نمی‌پذیرند و در این خصوص از دریدا^۲ تبعیت می‌کند. دریدا دوگانگی دال و مدلول سوسور را درهم می‌شکند و زبان را مجموعه‌ای از دال‌های بدون مدلول می‌پندارد؛ دال‌هایی که معنایشان را به هنگام کاربرد به دست می‌آورند. در واقع در شرایط مختلف مدلول‌های مختلفی به دال منتسب می‌شوند و اینکه یک دال خاص متضمن چه مدلولی است همواره مورد مناقشه است (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۵۵).

- دال مرکزی یا گره‌گاه^۳: یک گفتمان از طریق تثبیت نسبی معنا حول گره‌گاه‌های

خاصی شکل می‌گیرد. دال مرکزی یا گره‌گاه نشانه ممتازی است که سایر دال‌ها حول آن نظم می‌گیرند و نقطه‌ی ثقل همه‌ی دال‌ها و انسجام‌بخش آن‌ها است. هسته مرکزی منظومه گفتمانی را دال مرکزی تشکیل می‌دهد. دال مرکزی دال‌های دیگر را تقویت می‌کند و آن‌ها را در قلمرو جاذبه‌ی معنایی خود نگه می‌دارد (چیت‌ساز، ۱۳۹۸: ۸۵).

- دال شناور^۴: دال شناور دالی است که در حقیقت مدلول آن شناور است و گروه‌های

مختلف برای انتساب مدلول به آن با هم رقابت می‌کنند (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۵۷). در فرایند مفصل‌بندی گفتمان‌ها دال‌های شناور در عرصه اجتماع را به مثابه قطعات پازل در کنار یکدیگر و در راستای ارائه تصویری همه‌فهم و همه‌پسند از نظام سیاسی، اجتماعی یا فرهنگی مورد نظر خود می‌چینند (مقدمی، ۱۳۹۰: ۹۹). دال شناور به کشمکش جاری میان گفتمان‌های

1. Saussure

2. Derrida

3. nodal point

4. floating signifiers

مختلف برای تثبیت معنای نشانه‌های مهم تعلق دارد (یورگتسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۶۰).

- حوزه گفتمان‌گونگی یا میدان گفتمانی: دال‌هایی که در بیرون از محیط گفتمانی قرار دارند و می‌توانند به عنوان مواد خامی برای مفصل‌بندی‌های جدید به کار روند را میدان گفتمانی می‌گویند (مقدمی، ۱۳۹۰: ۱۰۱). یعنی معانی که از یک حوزه گفتمان سرریز می‌شوند ولی از گفتمان مورد نظر حذف می‌شوند تا یکدستی معنایی در آن گفتمان حاصل شود. معانی احتمالی نشانه‌ها را که از گفتمان طرد شده‌اند در حوزه گفتمان‌گونگی قرار می‌گیرد (لاکلو و موف، ۱۳۹۲: ۱۱۱).

۲-۳. مفاهیم حوزه‌ی نقد گفتمانی

- هژمونی و تثبیت معنا: مفهوم هژمونی یا استیلاء حول این موضوع است که در ساخت سیاست و اجتماع چه کسی برتر است. به عبارت دیگر کدام نیروی سیاسی درباره‌ی شکل‌های مسلط رفتاری در جامعه تصمیم خواهد گرفت و نیز در مورد این که کدام تعاریف از دال‌ها و مدلول‌ها در جامعه مسلط باشد و چه معانی در افکار عمومی تثبیت گردد (کسرابی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۵۰). از نظر لاکلو و موف هژمونی زمانی حاصل می‌شود که دال خاصی به مدلولش نزدیک شود و اجماع بر سر معنای آن نشانه حاصل شود. البته روی دیگر هژمونی ساختارشکنی است که در نتیجه آن دال و مدلول از هم جدا شده و هژمونی از بین می‌رود. از نظر آنان این مفصل‌بندی‌های سیاسی هستند که تعیین می‌کنند ما چگونه فکر و عمل می‌کنیم پس گفتمان‌های مختلف ممکن است برای سازماندهی جامعه به شیوه‌ی خاص خودشان با هم به رقابت و مبارزه برخیزند (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۷۵).

- قدرت: مفهوم قدرت در رویکرد لاکلو و موف پیوند نزدیکی با مفهوم سیاست و عینیت نزد آن‌ها دارد. برداشت آن‌ها از قدرت شبیه برداشت فوکو است. قدرت چیزی به‌شمار نمی‌آید که افراد در اختیار داشته باشند و در مقابل دیگران به کار گیرند، بلکه مولد امر اجتماعی تلقی می‌شود (یورگتسون و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۷۳). قدرت از نظر آنان عبارتست از قدرت تعریف کردن و تحمیل کردن این تعریف در برابر هر آن‌چه آن را منفی می‌نماید. گفتمان‌ها به‌وسیله‌ی قدرت غیر را طرد و خود را تثبیت می‌کنند (کسرابی و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۵۲).

- هویت: از آن‌جا که همه چیز در درون گفتمان معنا می‌شود هویت نیز امری گفتمانی

است که گفتمان به افراد و پدیده‌های اجتماعی اعطا می‌کند البته به علت تنازع و تخصص دائم میان گفتمان‌ها امر هویت بخشی موقت و نسبی است و هویت گفتمان ناپایدار است (مقدمی؛ ۱۳۹۰: ۱۰۲). برداشت هویت در نظریه لاکلو و موف را می‌توان به این شکل خلاصه کرد که سوژه هیچ‌گاه کاملاً خودش نخواهد شد و هویت خود را از طریق بازنمایی به شکل گفتمان کسب می‌کند. پس هویت عبارت است از همذات پنداری با موقعیت سوژه در یک ساختار گفتمانی. هویت به شکل گفتمانی و به وسیله‌ی زنجیره‌های هم‌ارزی برساخته می‌شود و همانند گفتمان‌ها متغیر است (یورگنسون و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۸۳).

- غیریت^۱ و ضدیت^۲: از نظر لاکلو و موف همه‌ی هویت‌ها به وسیله‌ی یک اصل مشترک یعنی تقابل میان درون و بیرون شکل می‌گیرند. هویت فردی (سوژه)، هویت جمعی یا گروه و در نهایت هویت یک گفتمان وابسته به همان اصل مشترک است. هویت سوژه ناشی از تعارض میان میان این دو هویت است. مفهوم غیریت در ذات خود و حاشیه‌رانی نظام معنایی دال‌های ریب که شیوه‌ای برای استمرار و حفظ قدرت و تداوم هژمونی یک گفتمان است (کسرای و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۴۸).

- وجوه استعاری و اسطوره: در اذهان سوژه‌ها نیاز به یک گفتمان جایگزین که بتواند مشکلات موجود را برطرف کند، پدید می‌آید. نظریه‌های اجتماعی یک فضای آرمانی از جامعه ارائه می‌دهند که در آن از بحران‌ها و مشکلات موجود اثری نیست (کسرای و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۵۳). لاکلو این نظریه اجتماعی را اسطوره می‌نامد. یک اسطوره زمانی به تصور جامعه تبدیل می‌شود که بتواند دیدگاهش را به عنوان دیدگاه کل جامعه مفصل‌بندی نماید (قجری و نظری ۱۳۹۲: ۷۵).

- زمان‌مند و مکان‌مند بودن گفتمان‌ها: از آنجا که گفتمان‌ها نظام معنایی خود را به گونه‌ای شکل می‌دهند که بتوانند با نظام معنایی تغییر گفتمان رقیب مقابله کنند از این رو باید دید نظام معنایی گفتمان حاکم حاکم و گفتمان رقیب در ابتدا و انتهای دوره زمانی مورد نظر چه تغییراتی داشته‌اند. برای نشان دادن این تغییرات معنایی لازم است مفصل‌بندی

1. otherness

2. antagonism

گفتمان‌های متخاصم در چند مقطع زمانی مشخص شود و با هم مقایسه گردد (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۶۸).

۴. فالنامه‌های مصور

فال در لغت به معنای "شگون" و "شگون" در فرهنگ فارسی به معنای "خجسته" و "مبارک" است. بنابراین فال در فرهنگ ایرانی "طلب تبرک و خجستگی" است. لکن با استمداد از نیروهای مابعدالطبیعه و دقیقا از همین روست که نسبتی می‌یابد با دین و بنیان‌های دینی. این نسبت نه از آن‌رو که در عرصه‌ی دین، طلب برکت و خجستگی نمایند، بلکه از این‌رو که همواره در حیات بشر دین مهم‌ترین عامل ارتباط با ماوراء بوده است (مهدی‌زاده، ۲۰: ۱۳۹۹). ذیل واژه‌ی فال در لغت‌نامه‌ی دهخدا آمده است: فال در عربی فأل شگون ضد طیره به معنی نیک و بد هر دو استعمال نمایند. شگون، طالع و بخت، اختر، پیش‌بینی و عاقبت‌گویی و غیب‌گویی. فرهنگ معین چنین آورده است: فال (عربی فال) هرچه به آن تقال زنند، نیک یا بد، پیش‌بینی، پیش‌گویی، طالع و بخت (واحددهکردی، ۱۴۰۱: ۷۹). فالنامه‌های مصور مجموعه‌ای از نوشتارها - به نظم یا به نثر - به همراه تصاویری هستند که، از محتوای آنها یا بر اساس تأویل و تعبیر آن محتوا، فردی که فال گرفته است بر خوب و بد بودن یا سعد و نحس نیت خویش آگاهی می‌یابد.

در دوره‌ی صفویه فالنامه‌های مصوری با حمایت و سفارش دربار تولید شده که از برخی جهات متمایز از سایر نسخه‌های تولید شده در کارگاه‌های سلطنتی می‌باشند. در فالنامه‌های مصور این دوره هنر نگارگری با هدف پیش‌گویی و فال‌گیری به خدمت گرفته شده است که این موضوع کاربرد ویژه و منحصر به فردی را برای هنر نگارگری که در طول تاریخ خود بیشتر در خدمت مصور کردن کتاب‌های ادبی به‌ویژه شاهنامه بوده، رقم زده است. حمایت دربار صفوی بخصوص شاه طهماسب از تهیه‌ی نسخه‌های فالنامه‌ی مصور از یک سو و میل دائمی انسان به اطلاع از آینده از سوی دیگر، فالنامه‌های مصور این دوره را ارزش ویژه‌ای می‌بخشد (واحددهکردی، ۱۴۰۱: ۸۱). تنها چهار نسخه مهم و تاریخی از این دست آثار استثنایی که درباریان و عوام مردم استفاده می‌کردند باقی مانده است. این نُسخ بر جای مانده به خاطر تصاویر جالب و درخشانی که از پیامبران، قهرمانان، دیوها و اشعار و قصص قرآن دارند از

اهمیت بسیاری برخوردار هستند. این طالع‌بینی‌ها و پیش‌گویی‌های ترسیمی نه فقط جنبه کمتر شناخته شده دستاوردهای هنری صفویه را روشن‌تر می‌کند بلکه علاقه مشترک شاهان، سلاطین و وزراء به پیش‌گویی‌های مصور را در پایان هزاره اول اسلامی نشان می‌دهد. چهار نسخه فالنامه‌ی دوره‌ی صفوی عبارتند از: فالنامه‌ی پراکنده‌ی طهماسبی، فالنامه‌ی طهماسبی محفوظ در موزه‌ی درسدن آلمان، فالنامه‌ی موزه‌ی توپقاپی سرای، فالنامه‌ی ترکی سلطان احمد اول (واحدده‌کردی و همکاران، ۱۴۰۱: ۹).

فالنامه‌ی پراکنده: از آن‌جا که در دوره‌ی صفوی فالگیری با نگاره‌ها امری معمول بوده است؛ با گسترش تفکر شیعی چند فالنامه‌ی مصور برجسته خلق می‌شود. نگاره‌های فالنامه‌ها جدای از نوشتار و فی‌البداهه توسط فالگیر تفسیر می‌شدند. در زمان حکومت شاه تهماسب در قزوین اولین فالنامه‌ی مصور با نام اولیه‌ی فالنامه‌ی جعفر صادق شکل می‌گیرد که در محافل هنری "فالنامه‌ی طهماسبی" یا "فالنامه‌ی پراکنده" نامیده می‌شود. این نسخه دارای کاربرد ویژه و ابعاد بزرگ و کتاب‌آرایی خاصی است. فالنامه‌ی تهماسبی با تأثیر پذیری از مبانی شیعی و آموزه‌های آن دارای ساختار ویژه و نمادهای شیعی در حیطه‌ی مضمون و نگاره می‌باشد (واحدده‌کردی، ۱۴۰۱: ۸۰).

فالنامه‌ی درسدن: نسخه‌ی درسدن که با عنوان فالنامه شاه طهماسبی به چاپ رسیده است، «مجموعه‌ای از نگاره‌های انجام شده در طول چند دهه (۹۹۷-۹۴۷ ه.ق/ ۹۰ - ۱۵۴۰م) است. اغلب نگاره‌ها، در ابتدا فال‌های تصویری مستقلی بوده‌اند که متناوباً، بخشی از یک یا چند نسخه را شکل داده و به نسخه‌ی کنونی تبدیل شده و براساس نسخه‌ی شماره ۴۴۵. Dresd.Eb کتابخانه‌ی درسدن شناخته شده است. تاریخ کتابت و تصویرگری آن احتمالاً به اواسط تا اواخر قرن دهم هجری می‌رسد. به دلیل خصیصه‌های سبکی و شباهت بسیار آن به نسخه‌ی قصص الانبیای کتابخانه دولتی برلین، که در سنه ۹۸۴ هجری کتابت شده و می‌توان آن را یگانه نمونه از فالنامه‌های مصور دانست که به‌صورت کامل در دسترس بوده و به چاپ رسیده است. این موضوع اهمیت بسیار زیادی دارد، چرا که فالنامه‌های مصور به دلیل وجود نگاره‌های متعدد بسیار قیمتی‌اند و در موزه‌ها و مجموعه‌های مختلف پراکنده‌اند و از طرف دیگر معمولاً هر برگ از این فالنامه‌ها به دلیل داشتن نگاره‌ی مجزا از کل کتاب جدا شده است و دسترسی به یک فالنامه کامل را بسیار سخت کرده است» (پوراکبر، ۱۳۹۶: ۲۶-۲۹).

این متون در وهله اول برآمده و حاصل سنتی هستند که بخش مهمی از ادبیات و فرهنگ عامه را شکل می‌داده، و تا حد بسیاری مغفول مانده‌اند.

برساخت‌گرایی فرهنگی در حوزه گفتمانی فالنامه‌ی طهماسبی بر اساس دیدگاه لاکلو و موف

با توجه به مفاهیم ذکر شده در حوزه گفتمان لاکلو و موف، برساخت‌گرایی فرهنگی در حوزه‌ی دال و مدلول و مفاهیم حوزه‌ی نقد گفتمان با توجه به فرهنگ غالب بر جامعه‌ی صفوی در نگاره‌های انتخابی از دو نسخه فالنامه امام صادق (ع) (فالنامه‌ی پراکنده طهماسبی) و همچنین فالنامه درسدن (فالنامه شاه طهماسبی) تحلیل خواهند شد.

- دال و مدلول

حکومت صفویه خاستگاهی شهری و غیر ایلی داشته و رابطه شاهان صفویه (به ویژه شاهان اولیه) و نیروهای قزلباش به عنوان نیروهای ایلی و نظامی صفویه، نه بر اساس وابستگی و پیوندهای قبیله‌ای و طایفه‌ای بلکه از یک سو بر نوعی مرام عقیدتی و کاریزمای صوفی و از سوی دیگر انگیزه‌های سیاسی مشترک جهت ایستادگی در مقابل تمرکز قدرت عثمانی مبتنی بود. در مجموع شاهان صفویه از سه منبع اساسی مشروعیت، از جمله انتساب خود به امام موسی کاظم (ع) یعنی تشیع، ارشدیت در سلسله مراتب صوفیه‌ای صفوی و انتساب خود به پادشاهان ساسانی از طریق ازدواج دختر یزدگرد سوم با امام حسین (ع) بهره می‌گرفتند (کشاورز و دیگران، ۱۳۹۶، ۱۴۱). قداست شاهان صفویه تا جایی پیش رفت که با لقب ظل‌الاهی خوانده می‌شدند که با گفتمان سلطنت ارتباط نزدیک دارد (دلیر، ۱۴۰۰: ۸۵). با مهاجرت علما و شکل‌گیری نهادی روحانی، طبقه جدیدی در کنار امرا صوفی و قزلباش ایجاد شد. علما و روحانیون علاوه بر داشتن رابطه دوستانه با شاه، با دیگر گروه‌ها و طبقات جامعه نیز در ارتباط بودند که نشانگر میزان اهمیت و اعتبار علمای روحانی و نقش آنان با شاهان صفوی بود (انصاری، ۱۳۷۸: ۱۳۱). تا جایی که کمپفر^۱ درباره دلایل احترام شاه به علما چنین می‌نویسد: «درباره احترامی که شاه صفوی به مجتهد می‌گذاشت این را می‌توان گفت که قسمت زیادی از آن

ساختگی و تظاهر بود، زیرا شاه از انعکاسی که ممکن بود از طرف پیروان مذهبی او به عمل می‌آید بیم داشت پس شاه نمی‌توانست سر خود اصول مذهبی را زیر پا نهد و یا از آن تخطی و تجاوز کند (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۲۴-۱۲۲). بنابراین گفتمان تصوف در عصر شیخ‌صافی یک گفتمان ظاهراً مذهبی و دینی صرف بود که دال‌هایی چون مرید، مرشد، خانقاه، خرقه‌پوش، سماع، زهد و ریاضت، توبه و استغفار، هدایت و ولایت مفصل‌بندی شده بود. این گفتمان توانست در داخل و خارج ایران به لحاظ معنوی هژمونی خود را به دست آورد به حدی که شیوخ صوفی در ایران مورد احترام پادشاهان و وزرای ایلخانی قرار گرفتند و موقوفاتی برای خانقاه معین شد (حیبی‌کردعلیوند، ۱۳۸۸: ۱۴۵). از طرفی فرهنگ سیاسی مردم و نخبگان غیر حکومتی تا حد زیادی دارای ماهیتی قدسی، درون‌پرداز، عارفانه و جبرگرا بود و عدم اندیشه‌ورزی در باب چگونگی ساخت دولت در این فرهنگ رواج دانست. با توجه به حمله سه‌مگین مغولان و جنگ‌ها و مصیبت‌های سخت و طولانی ظهور پیدا کرده بود و در این مقطع زمانی، پناه بردن به خدا از شر اقوام ظالم و مهاجم به کمک عرفان صوفیه آمده بود (لشکری تفرشی، ۱۴۰۰: ۱۳۷). گفتمان تصوف تا زمانی که وارد مباحث سیاسی نشده بود، مفصل‌بندی آن حالت هژمونیک خود را حفظ کرد و قدرت جذب مردم در آن رو به افزایش بود و در بین آنان پایگاه اجتماعی - فرهنگی داشت (حیبی‌کردعلیوند، ۱۳۸۸: ۱۴۶). شاهان صفویه عموماً خود را یک شاه عرفی قلمداد ننموده و در عین تصدی امر سلطنت، مراتب روحانی و حلقه مریدان خویش را حفظ می‌کردند؛ تا حدی که شاه اسماعیل لقب اسماعیل ولی‌الله را بسیار محترم و ارزشمند می‌دانست و مریدانش با این عنوان از وی یاد می‌کردند. او با پیوند صوفی‌گری با آموزه‌های تشیع، مذهب رسمی کشور را تشیع اعلام نمود و جایگاه سیاسی خود را تثبیت نمود (افتخاری، ۱۳۸۳: ۲۸۳). شاه در نظام گفتمانی عصر صفویه افزون بر وجه مادی، دارای جایگاهی فرامادی نیز بود. پادشاهان صفویه دریافته بودند که عقاید صوفیانه عنصری کارا در ایجاد دگرگونی و رسیدن به قدرت سیاسی بوده است لیکن برای ساخت حکومتی مقتدر پشتوانه مورد اطمینانی نخواهد بود. بر این مبنا جهت دستیابی به اندیشه ساخت قلمرو سرزمینی با آیین تشیع دوازده امامی مبنای عمل قرار گرفت. در این الگوی حاکم مقتدر جایگاه «ضل‌اله فی الارض» یعنی سایه خدا بر روی زمین با مفاهیم شیعی امام‌غایب و حاکم عادل تلیف شد و به بازتولید مشروعیت نظام سلطانی منجر گردید. از جمله برخی فقهای این دوره از باب همگامی با پیروان

شاه اسماعیل، رساله‌ای در باب جایز بودن سجده بر وی نگاشتند و معتقد بودند هر که اطاعت پادشاه ننماید لاجرم از اطاعت خداوند خارج شده است (لشکری تفرشی، ۱۴۰۰: ۱۴۳). در واقع صورت‌بندی گفتمانی از شاه اسماعیل به بعد تغییر پیدا می‌کند و حول دال مرکزی تشیع و از مهم‌ترین دال‌های شناور آن ولایت، سلطان، منجی، جهاد و مجاهد کلاه دوازده ترک سرخ با لباس رزم است. پس از هژمونی مذهبی، نظام معنایی حوزه گفتمانی عوض شده و دال‌های موافق سلطنت دینی جایگزین می‌شوند. به صورت کلی دال‌های مورد توجه گفتمان شیعه صفوی همان سه اصل عدل، معاد و امامت در عقاید پنجگانه شیعه است، شکل می‌گیرد (خود تشیع فرقه‌های گوناگونی دارد ولی در صفویه فقط به صورت کلی از شیعه به عنوان مذهب رسمی نام برده می‌شود).

در فالنامه طهماسبی هر دو نسخه‌ی موجود پراکنده و درسدن نگاره‌هایی که مشخصاً به گفتمان شیعی و این سه اصل اشاره کرده باشند چه از نظر صوری و چه از نظر معنایی فراوانند. از جمله نگاره‌هایی با محوریت امامت با موضوعاتی مانند پنج تن و داستان غدیر خم. در نگاره‌ای از فالنامه پراکنده دست با پنج انگشت به نشانه پنج تن به رنگ آبی لاجوردی در مرکز تصویر در پس‌زمینه‌ای با افق رفیع، تپه مانند با تزئینات گیاهی و دو درخت به صورت متقارن در دو طرف بازنمایی شده است. در مرکز این پنجه یک طرح مربعی شکل حاوی یک نوشته به خط کوفی معقلی به رنگ طلایی است و دور تا دور این مربع کلمات علی و محمد به صورت چپ نویس تکرار شده است. روی انگشتان نیز اسامی پنج تن به صورت چپ نویس آمده و زمینه پنجه تزئینات گیاهی دارد. دو درخت تنومند در دو طرف پنجه تأکید بر ارتباط تکرار اسامی محمد (ص) و علی (ع) به عنوان ارکان اصلی دین و اصل امامت و جانشینی دارد. عدد پنج در شیعه نمادی از پنج ستون دین، پنج تن و نیز پنج مرتبه نمازهای روزانه است و از نظر بصری به صورت پنج انگشت یک دست نمایش داده می‌شود (تصویر شماره ۱). نگاره‌ی غدیر خم اشاره صریح به جانشینی امام علی (ع) و رابطه پیامبر اسلام با ایشان (دو سر و یک بدن) دارد. اساساً شیعه بر دو محور حق جانشینی و مفهوم مشروعیت رهبری جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر (ص) استوار شده و در طول تاریخ بسط و تکوین یافته است. شیعیان معتقد بودند که خداوند، خود جانشین پیامبر (ص) را تعیین کرده و حضرت در آخرین سال حیاتش به شهادت همگان در واقعه‌ای که به غدیر خم معروف گشت پیام خدا را ابلاغ نمود و علی (ع) را

جانشین خود و ولی مردم معرفی نمود (مهدی‌زاده، ۱۳۹۹: ۳۳). حضور مردم در حالت مباحثه و گفتگو تأکید بر اعلام همگانی این موضوع دارد. درخت پر شکوفه در وسط تصویر نمادی از شجره طیبه و یکی از اصول اساسی تشیع است (تصویر شماره ۲).



سمت راست: تصویر شماره ۱، پنج‌تن، فالنامه پراکنده (Farhad, ۲۰۰۹: ۱۲۳)
سمت چپ: تصویر شماره ۲، وصیت رسول خدا به علی (ع)، فالنامه درسدن (پورا کبر، ۱۳۹۶: ۵۰)

جایگاه والای امام علی (ع) در گفتمان شیعه صفوی در نگاره معراج با محوریت سفر آسمانی حضرت محمد (ص) نیز آورده شده است. با اینکه این داستان در مورد پیامبر اسلام (ص) است ولی با حضور شیر که نماد امام علی (ع) و لقب اسدالله ایشان است و انگشتی که در دست پیامبر اسلام است بر وجوه امامت و تأکید شده است (تصویر شماره ۳ و ۴). اصل امامت، به عنوان اصلی‌ترین وجه اندیشه شیعه پیوند دهنده مذهب و سیاست نیز هست. امام بهترین فرد برای جامعه است و در نبود پیامبر جامعه دچار گمراهی نمی‌شود. پس هسته مرکزی و دال مرکزی حول محور امامت شکل گرفته که در فالنامه‌های مورد بررسی با تأکید به آن اشاره شده است.



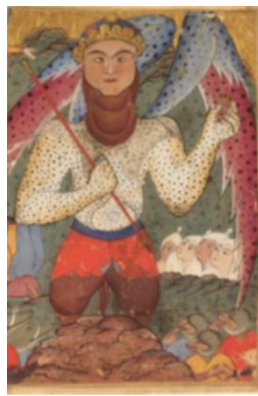
سمت راست: تصویر شماره ۳، معراج حضرت محمد (ص)، فالنامه پراکنده (Farhad, ۲۰۰۹: ۱۱۹)
سمت چپ: تصویر شماره ۴، معراج نبی هاشمی، فالنامه درسدن (پورا کبر، ۱۳۹۶: ۹۲)

عدل و معاد را می‌توان در نگاره داوری اخروی دید. در قسمت پایین نگاره دوزخ به رنگ سیاه و اهالی آن برهنه در میان آتش در حال کشیدن عذاب الهی و نگهبان جهنم با اندازه‌ای اغراق شده به شکل دیو با گرز آتش‌سان دیده می‌شود (تصویر شماره ۵). در قسمت بالای نگاره باغ بهشت بازنمایی شده است که در سمت راست آن ساختمانی بلند مرتبه قرار دارد. در وسط درخت سروی بلند بالا و نهر آبی که از جلوی آن روان است در دو طرف درخت امامان با هاله دور سر نشسته‌اند و حضرت فاطمه (س) بدون تجسم بدن و فقط با شعله‌ای نشان داده شده‌اند. فرشته با ترازو نشان از اصل عدل است و حضور پیامبر و امام علی (ع) تأکید بر این عقیده است که شیعیان مورد شفاعت امام علی (ع) قرار می‌گیرند و به بهشت می‌روند. نگاره به اصل معاد اشاره دارد ولی گفتمان کلی آن همراهی با عقاید شیعیان است (تصویر شماره ۶).



سمت راست: تصویر شماره ۵، داوری آخری، فالنامه درسدن (پوراکیبر، ۱۳۹۶: ۸۶)
سمت چپ: تصویر شماره ۶، روز داوری، فالنامه پراکنده (Farhad, ۲۰۰۹: ۱۹۰)

نگاره مهم دیگری که اشاره به معنای معاد دارد، نگاره دابه‌الارض است (تصویر شماره ۷ و ۸). دابه‌الارض موجودی ناشناخته است که از زمین خارج شده و کافر و مؤمن را از هم جدا می‌کند. این موجود از نشانه‌های آخرالزمان یا قیامت دانسته شده است. برخی علمای شیعه دابه‌الارض را بر امام علی(ع) یا امام مهدی (عج) تطبیق داده‌اند. (واحد دهکردی و دیگران، ۱۴۰۱: ۳۹)



سمت راست: تصویر شماره ۷، دابه‌الارض، فالنامه درسدن (پوراکیبر، ۱۳۹۶: ۱۰۴)
سمت چپ: تصویر شماره ۸، دابه‌الارض، احتمالاً فالنامه پراکنده (Farhad, ۲۰۰۹: ۱۸۹)

۱. با توجه به اینکه نگاره دابه‌الارض در سه نسخه دیگر فالنامه‌های دوره صفوی (درسدن، تویقایی و سلطان احمد) شناسایی شده و هیچ

حوزه گفتمان گونی یا میدان گفتمانی در فالنامه‌های مصور دوره‌ی صفوی

فضای گفتمان‌گونی ایران پیش از صفوی مملو از رقابت بین گفتمان‌های واگرا و وحدت‌گرا بود. مذهب تشیع بر تأسیس نظم دینی خاص خود تأکید داشت و مذهب تسنن به دنبال همراهی با خلاقیت عثمانی بود. صوفیان در خانقاه در پی شکستن ارزش‌های مذهبی اهل تسنن و تشیع بودند و عرفا از بی‌نیازی به حکومت می‌گفتند (مرتضوی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۶۵). علاوه بر این ایران دچار آشفتگی‌های سیاسی، هرج و مرج و نزاع ملوک الطوایف و تثبیت فرهنگی بود و مرزهای ایران آکنده از دولت‌هایی بود که به لحاظ ایدئولوژیک سیاسی و نظامی در پی چیرگی بر آن بودند. در چنین زمانی هیچ گفتمانی نتوانسته بود به وحدت لازم جهت اجماع گفتمانی برسد در نتیجه این فقدان یک گفتمان وحدت بخش باعث شد نوعی هرج و مرج حاکم شود و جامعه آماده تغییرات برای قالب گفتمانی نو باشد. این تغییرات در تمام سطوح از مذهب و سیاست تا فرهنگ و اجتماع را شامل می‌شد.

- هژمونی و تثبیت معنا

گفتمان صفوی هژمونی خود را با استفاده از مذهب و ملیت به دست می‌آورد. این گفتمان با استفاده از باورهای تاریخی و مذهبی مردم ایران قدرت خود را هنگام تأسیس، طی دو قرن حکومت به هژمونی یا سلطه تبدیل کرد؛ بدین صورت که مذهب شیعه را در نقش مذهبی فراگیر و در عین حال متفاوت یا مذاهب مورد پذیرش حکومت‌های اطراف ایران آن روز، در آگاهی جمعی و تعلق خاطر ایرانیان نقش بست. این گفتمان جهت تثبیت هژمونی خود از حمایت‌های شخص سلطان و علمای شیعه بهره برد (مرتضوی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۷۷). از جمله این حمایت‌ها دعوت از هنرمندان و سفارش آثار هنری از جمله کتاب‌آرایی در راستای معناهای تثبیت شده گفتمانی و ارزش‌های دال اصلی است. به عنوان مثال با اینکه شاهنامه در همه ادوار تاریخی به تصویر درآمده است در مقایسه با شاهنامه بایسنقری (مکتب هرات) که با منظره شکار پادشاه در شکارگاه آغاز می‌شود، در ابتدای شاهنامه طهماسبی (مکتب تبریز دوم) یکی از پایه‌های اصلی حکومت صفوی یعنی تشیع به تصویر درآمده است. این نگاره

کشتی شیعه نام دارد و بر اساس روایتی از پیامبر (ص) که اهل خود را به مثابه کشتی نوح معرفی می‌نماید، مصور شده است (مهدی‌زاده، ۱۳۹۶: ۲۳). بدین سان معانی اصلی مذهب شیعه از جمله ولایت و امامت همچنین حاکم عادل در زمان غیبت ولی عصر، باور به کرامات ائمه و متوسل شدن به آنان، باور به داوری ائمه در قیامت و شفاعت شیعیان از جمله معناهای تثبیت شده حاصل از این هژمونی است که در فرهنگ تصویری این دوره نیز جاری است. «رهبران نهضت صفویه بهره‌برداری مؤثری از نیروی حرکت آخرین مذهب تشیع و نمادهای آن نمودند. شیخ‌حیدر (پدر شاه اسماعیل) برای متحدالشکل نمودن لباس مریدان سازمان یافته در تشکیلات نوپنیداد نظامی‌اش، کلاه قرمز رنگی را که دوازده ترک داشت و نماد دوازده امام شیعه اثنی‌عشری است، نماد سربازان خود قرار داد که به آن قزلباش می‌گفتند. شاه اسماعیل به کرات برای تمکین فرماندهان ارشد نظامی‌اش در مواردی که برای تصمیم‌گیری‌هایی در چند و چون جنگ یا تعیین مسیر حرکت نیروهای تحت‌امر کار را به نتیجه‌ی خواب و دستور یافتن از ائمه اطهار بلافاصله موکول و پس از ساعتی خواب تکلیف را معین می‌کرد. این روال در سایر امور و توسط سایر عوامل حکومت صفوی و در دوران سلاطین دیگر صفوی از جمله شاه طهماسب جریان داشت که گزارش‌هایی نیز در منابع این دوره ارائه شده است» (رشیدی و دیگران، ۱۴۰۱: ۱۰). در نتیجه در فرهنگ عامه ارزش‌های گفتمان مسلط صفویه به اجماع می‌رسد و زمینه‌های پذیرش آن‌ها در زمینه استفاده از نمادهای شیعی، برگزاری مراسمات مذهبی شیعه، فرهنگ تعبیر خواب، استخاره، فال قرآن، فال تسبیح و استفاده از فالنامه رواج پیدا می‌کند.

شفاعت شیعیان توسط ائمه (به خصوص امام علی (ع)) در نگاره داوری قابل مشاهده است (تصویر شماره ۵ و ۶). باور به کرامات ائمه در چند نگاره در فالنامه‌های مصور صفوی آمده است از جمله نگاره معجزه دو انگشت امام علی (ع) که اشاره به داستان مره‌قیس^۱ دارد. قسمت اعظمی از نگاره بازگناه حضرت علی (ع) را نشان می‌دهد و در داخل بنا در قسمت جلوی تصویر یک مکان مستطیل شکل که نشانه مقبره امام علی (ع) است قرار دارد که با چراغ‌ها و

۱. مره‌قیس نام کافری است که صاحب اموال و خشم بسیار بود. روزی از اقوام دربار‌ه‌ی اجداد خود پرسید و آنان گفتند علی بن ابی‌طالب (ع) هزار نفر از آنان را کشتند. او برای انتقام همراه لشکر بر نجف و مقبره امام علی (ع) یورش برد اما با معجزه امام علی (ع) دو انگشت ایشان از قبر بیرون آمد و او را به دو نیم کرد و لشکر از ترس فرار کردند.

پرده‌هایی تزئین شده‌اند. در کناره مقبره مطهر و بالای سقف کنار گنبد افرادی ایستاده‌اند. از مقبره در سمت راست دو انگشت امام علی (ع) دیده می‌شود که شراره‌های آتش آن به سمت مردی سیاه چهره با لباس قرمز رنگ در سمت راست نگاره است (تصویر شماره ۹ و ۱۰).



سمت راست: تصویر شماره ۹، کشته شدن مره قیس توسط حضرت علی (ع)، فالنامه پراکنده (Farhad, ۲۰۰۹: ۱۲۸)
سمت چپ: تصویر شماره ۱۰، کشته شدن مره قیس توسط حضرت علی (ع)، فالنامه درسدن (پورا کبر، ۱۳۹۶: ۱۴۲)

از نگاره‌های دیگری که به کرامات ائمه به ویژه حضرت علی (ع) اشاره دارد نگاره‌ای با مضمون ازدها در بدن حضرت علی (ع) در گهواره است که وجه قدرت اساطیری امام اول شیعیان را به خوبی نشان می‌دهد. در مرکز تصویر حضرت علی (ع) تصویر شده که در حال نبرد با ازدهایی بزرگ است و ناظران در پایین تصویر در بهت و حیرت می‌باشند (تصویر شماره ۱۱). در نگاره‌ای دیگر حضرت علی (ع) با اقتدار در حالی که با ذوالفقار دشمن را به دو نیم می‌کند، نشان داده شده است. سایرین با حیرت در حال نظاره‌ی صحنه تصویر شده‌اند (تصویر شماره ۱۲). بر اساس ارادت شیعیان و بالاخص ایرانیان به حضرت علی در نگاره‌های فالنامه‌های مورد بررسی مضامینی که قدرت فوق انسانی ایشان و بُعد اسطوره‌ای ایشان را تأکید می‌کند به دفعات مصور شده و مورد توجه بوده‌اند.



سمت راست: تصویر شماره ۱۱، اژدها دریدن حضرت علی در گهواره، فالنامه درسدن (پورا کبر، ۱۳۹۶: ۱۵۳)
سمت چپ: تصویر شماره ۱۲، نبرد حضرت علی (ع)، فالنامه درسدن (پورا کبر، ۱۳۹۶: ۵۱)

نگاره کندن در خیبر به جایگاه بالاتر امام علی (ع) نسبت به سرداران دیگر سپاه و ارتباط آسمانی او اشاره دارد. امام علی (ع) به صورت معجزه‌آسا و با قدرت در حال کندن در خیبر تصویر شده است. در سمت راست تصویر پیامبر (ص) سوار بر اسب سفید با جامه لاجوردی و تزئین شده با پارچه‌ای بر صورت و هاله‌ی دور سر بازنمایی شده‌اند (تصویر شماره ۱۳). در پایین ساختمان حضرت علی (ع) با لباسی هم‌رنگ لباس پیامبر با پارچه‌ای بر صورت و هاله دور سر، در بزرگ خیبر را از جای درآورده و به شکل حماسی به بالای سر برده است. پاهای امام علی (ع) بر دستان یک فرشته با بال‌های بزرگ قرار دارد. در قسمت بالای نگاره، لشکر به تماشای این صحنه مشغول‌اند (تصویر شماره ۱۴). حضور فرشته نشانی از فوق انسانی بودن این عمل است و لباس یکسان پیامبر و امام علی (ع) اشاره به جایگاه ویژه این امام نزد پیامبر دارد؛ همانطور که در روایات شیعه نقل شده که پیامبر ایشان را با خود برابر می‌دانسته‌اند.



سمت راست: تصویر شماره ۱۳، فتح خیبر، فالنامه پراکنده (Farhad, ۲۰۰۹: ۱۲۲)
سمت چپ: تصویر شماره ۱۴، در خیبر کندن حضرت علی (ع) وصی رسول خدا، فالنامه درسدن (پورا کبر، ۱۳۹۶: ۵۶)

در نگاره دیدار یوسف با برادرانش در مصر، اشاره به بازگشت برادران حضرت یوسف و تقاضای رها کردن بنیامین، برادر کوچکتر خود را دارند. در مرکز تصویر، یوسف با لباس مجلل و هاله تقدس بر روی تخت نشسته است و دستمال سبز سلطنتی در دست دارد. گرچه داستانی از قرآن در این نگاره بازنمایی شده است ولی برادران حضرت یوسف و ناظران در بالای صحنه لباس صفوی و کلاه قزلباش بر سر دارند (تصویر شماره ۱۵). در نگاره‌ی دیگر با موضوع «گذر حضرت علی از گورستان» فردی که در حال دفن مرده‌ی کفن‌پوش است نیز کلاه قزلباش بر سر دارد (تصویر شماره ۱۶). «شیخ حیدر صفوی در اقدامی مبتکرانه، تاج قزلباش را به‌عنوان پرچم و نشانه طریقت صفوی رواج داد و پس از آن پیروان این طریقت، با نام قزلباش شناخته شدند. انتساب تاج به امام علی (ع) و وجود دوازده ترک، آن را به نشانه تشیع تبدیل کرد» (سیدبنکدار، ۱۳۹۵: ۱۹۵). بنابراین یکی از ارزش‌های گفتمان مسلط صفویه لباس و کلاه قزلباش است که در این نگاره هژمونی یافته است.



سمت راست: تصویر شماره ۱۶: یوسف و برادران، فالنامه پراکنده (Farhad, ۲۰۰۹: ۱۰۵)
سمت چپ: تصویر شماره ۱۷: گذر حضرت علی (ع) از گورستان، فالنامه درسدن (پورا کبر، ۱۳۹۶: ۶۶)

قدرت

مسئله قدرت در گفتمان صفویه در چند مرحله قابل بررسی است: در زمان ظهور صفویه مسئله قدرت با تصرف و خانقاه گره خورده بود. تنها تصوف و عرفا قادر بودند توجیهات لازم برای مشروعیت نهاد حکومت را فراهم آورند زیرا صوفیان در بین آحاد مردم ایران پایگاه اجتماعی داشتند. از این رو رابطه متقابل تصوف و نهاد قدرت در دوره شاه اسماعیل صفوی قادر گردید زمینه را برای ساخت حکومت فراهم آورد (لشکری تفرشی، ۱۴۰۰: ۱۳۷). به عبارت دیگر در این زمان قدرت صفویه قبل از آن که از سازمان سیاسی ناشی شود، از درون جامعه می جوشیده و همین امر به شیوخ صفویه توانایی به مراتب تأثیرگذارتر از صاحب مناصب رسمی می داده است. دلیل این امر نیز چنان که میشل فوکو نشان می دهد به ترجیح قدرت های برآمده از جامعه بر قدرت های مبتنی بر سازمان رسمی برمی گردد (افتخاری، ۱۳۸۳: ۲۸۲). این قدرت برآمده از جامعه از نظر لاکلو و موف سوژه ها را در جامعه بازتولید می نماید. اما با آمیختگی تصوف با تشیع منابع قدرتی گفتمان جابجا می شود. در ادامه گفتمان صفویه قدرت خود را از علمای دین می گیرد و سازمان فکری قدرت سیاسی با اتکا به علمای شیعه شکل گرفت. کما اینکه تحقق کرکی در جامع المقاصد فی شرح القواعد بنیاد نگرش تازه ای در عصر خود را به جای می گذارد که مطابق آن ولایت و حکومت اساساً یکی تصور شده و لذا «ولی» نه تنها مسئول امور دینی

بلکه مسئول امور عرفی از جمله تصدی امر حکومت است (همان: ۲۸۹). بدین وسیله یکی دیگر از دال‌های تشیع یعنی ولایت و اطاعت در گفتمان صفویه ذیل مسئله قدرت فراگیر شده و هژمونی می‌یابد.

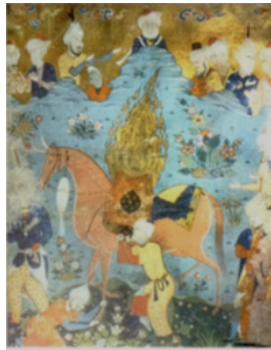
در نگاره‌های غدیرخم (تصویر شماره ۲) و فتح خیبر (تصویر شماره ۱۳ و ۱۴) پیامبر (ص) و امام علی (ع) یکسان نشان داده شده‌اند. این مسئله در نگاره غدیرخم به صورت یک پیکره و دو سر و در نگاره خیبر به شکل لباس یکسان با روپند و شعله اطراف سر نشان از جایگاه برابر آنان در گفتمان شیعه دوره صفوی دارد. «در تذکره شاه طهماسب در حدیثی آمده است که: ای علی، گوشت تو گوشت من است و خونت خون من و جسمت جسم من و من و علی از نور واحد هستیم» (مهدی‌زاده، ۱۳۹۹: ۱۰۲). همچنین در نگاره معراج، پیامبر (ص) سوار بر براق اسبی با سر انسان در مرکز تصویر بازنمایی شده که هفت فرشته در اطراف ایشان با بال‌های بزرگ و با جزئیات که هر کدام شیء در دست دارند. در چپ پیکره شیری رو به پیامبر (ص) است و ایشان دست خود را به طرف شیر دراز کرده و انگشتی به شیر می‌دهند (تصویر شماره ۳). از آنجایی که داستان معراج در آسمان‌ها و تحت نظارت خداوند و فرشتگان ایشان است به اهمیت این بازنمایی افزوده می‌شود و دال مهم قدرت یعنی امامت و اطاعت را تقویت می‌کند.

هویت

تشیع در ایران ابتدای عصر صفوی در اقلیت بود که به اجبار رسمیت یافت. اما به تدریج به عنصر هویتی غالبی تبدیل شد که دیگر مؤلفه‌های دینی و مخصوصاً تسنن درون آن ذوب شدند. بر این اساس، رسمیت یافتن مذهب شیعه و آگاهی و احساس تعلق و وفاداری ایرانیان دوره صفویه به این مذهب در جایگاه منبع هویت بخش ملی، آنان را در مجموعه‌ای واحد و دارای تشابهی به عنوان پیروان مذهب شیعه قرار داد که بر اساس آن به همدیگر احساس تعلق خاطر داشته و خود خود را در یک گروه مذهبی تلقی کرده‌اند (مرتضوی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۷۴-۱۷۳). شاه اسماعیل و شاهان صفوی پس از وی، در نقش بنیان‌گذاران دیگر بار ایران نمایان شدند. «موجودیت ایران پس از سده‌ها، راهیابی به نقشه جهان و معنایابی مرزهای سیاسی، جغرافیایی مرهون پادشاهان صفوی است. از این هنگام شاهان این خاندان در هیات شهریار آرمانی ایرانی

درآمدند و دارای بهره‌هایی پرنرنگ و برجسته از تأیید آسمانی تصور شدند» (رضایی پناه و قنواتی، ۱۳۹۵: ۵۹). در نتیجه تحت گفتمان صفویه هویت ملی با مذهب و سلطنت اسلامی درآمیخت.

در نگاره‌ی "دُلْدُل شاه ولایت" که ر هر دو نسخه دیده می‌شود، شخصی که دُلْدُل را هدایت می‌کند، کلاه قزلباش به سر دارد. دُلْدُل نام قاطری است که در غزوه حنین مرکب پیامبر (ص) بوده است. پیامبر اسلام هنگام درگذشت، دُلْدُل را همراه با دیگر مرکب‌ها و وسایل شخصی نظیر عمامه، جامه و عصا و انگشتری، به وصی خود، حضرت علی (ع) بخشید و حضرت علی (ع) تا پایان عمر بر آن سوار می‌شد و در بیشتر غزوه‌ها و جنگ‌ها مرکب وی بود. در این نگاره وسایل شخصی پیامبر با هاله‌ی تقدس بر روی زین دُلْدُل تصویر شده است و قنبر - غلام پیامبر - که دُلْدُل را هدایت می‌کند کلاه قزلباش به سر دارد (تصویر شماره ۱۸ و ۱۹). هویت ایرانی (کلاه قزلباش) با ولایت شیعی در این نگاره‌ها گره خورده است.



سمت راست: تصویر شماره ۱۸، دُلْدُل شاه ولایت، فالنامه درسدن (پوراکیبر، ۱۳۹۶: ۸۴)
سمت چپ: تصویر شماره ۱۹، قنبر و دُلْدُل (Farhad, ۲۰۰۹: ۲۱۹)

در نگاره‌ای دیگر با مضمون "کشته‌شدن ذوخمار توسط حضرت علی (ع)" حضرت علی سوار بر دُلْدُل در حال به دو نیم کردن ذوخمار با شمشیر ذوالفقار دیده می‌شود. ذوالخمار لقب عمروبن عبدود عامری یکی از سرداران عرب بود که در روز خندق به دست امام علی (ع) کشته شد. حضرت علی (ع) در این نگاره با ردای آبی رنگ و هاله‌ی تقدس تصویر شده و عمامه‌ای با مخروط سرخ رنگ مانند کلاه قزلباش‌ها بر سر دارد (تصویر شماره ۲۰). گرچه عمامه سفید با نیم‌دایره قرمز رنگ بر سر بسیاری از شخصیت‌های دینی از جمله امام علی (ع) در فالنامه‌ی

طهماسبی به دفعات دیده می‌شود، اما در این نگاره وضوح کلاه قزلباش بر سر امام به‌طور صریح پیوند بین ولایت مشروع شیعی و هویت ایرانی در ارتباط با شاهان صفوی را بازنمایی می‌کند.



تصویر شماره ۲۰، کشتن ذومخار به دست حضرت علی (ع)، فالنامه درسدن (پورا کبر، ۱۳۹۶: ۵۲)

غیریت و ضدیت

بر اساس نظریه گفتمان لاکلو و موف، کسب هویت کامل بوسیله گروه‌ها غیر ممکن است و حضور دیگری می‌تواند در شکل دادن به هویت مؤثر باشد. بر این اساس می‌توان گفت، «اسلام شیعی صفوی در ایران با غیریت‌سازی با دشمن خارجی یعنی حکومت عثمانی که اهل تسنن بودند از هویت ملی بهره برد. عثمانیان از یک سو با تسلط بر تمام سرزمین‌های عربی خود را خلیفه مسلمین می‌پنداشتند و از سوی دیگر در اندیشه گسترش قلمرو امپراطوری خود و جهانی نمودن اسلام، صفویه را مانع اهداف خود می‌انگاشتند و بارها به قصد تغییر مذهب تشیع به قلمرو صفویه لشکرکشی نمودند. همچنین صفویان در صدد برآمدن سفر به مکه را به جهت نیاز به عبور از قلمرو عثمانی کم‌رنگ نموده و با بازسازی بارگاه امام رضا (ع) آن را زیارتگاه شیعیان قرار دهند» (مرتضوی و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۴۰).

توجه ویژه به بارگاه امام رضا (ع) به عنوان تنها مقبره‌ی ائمه در ایران صفوی در نگاره‌های فالنامه‌ها نیز بازنمود یافته است. به‌طور مثال در نگاره بارگاه شاه خراسان، اهمیت بارگاه امام رضا (ع) را به عنوان زیارتگاه شیعیان می‌توان دید (تصویر شماره ۲۱). در قسمت بالایی چند

گلدان و چراغ از سقف آویزان هستند. در قسمت پایین در مرکز، مقبره متبرکه که به صورت مکعب شکل با پارچه سیاه رنگ که حاشیه طلایی در بالا دارد، مانند خانه کعبه بازنمایی شده است. روی مقبره، رحل قرآن قرار دارد و افرادی مشغول زیارت مقبره که عملی مقبول شیعیان است دیده می‌شوند.

در نگاره دیگری قدمگاه امام رضا(ع) به تصویر کشیده شده است (تصویر شماره ۲۲). حضور امام هشتم شیعیان در ایران یکی از مهم‌ترین وقایع تاریخی شیعه است. بنابر عقاید شیعیان امامان واسطه خالق و مخلوق اند پس تکریم و توسل به ایشان به عنوان واسطه عملی شایسته است. در زمان صفویان زیارت قدمگاه امام رضا(ع) به یکی از اصول گفتمان شیعه بدل شد. نگاره به صورت نمای یک بنای مقدس است. نقش پا در قسمت بالای تصویر با اندازه‌ی اغراق شده بر روی فرش آبی رنگ قرار دارد و در وسط و بین دو پا، رحل و قرآن قرار گرفته است که نشان قداست نقش پا است. در قسمت پایین پیکره‌ها در حال سجده و زیارت قدمگاه دیده می‌شوند. تأکید بر حضور امام و زیارت بارگاه امام هشتم شیعیان در ایران در نگاره‌های مورد بررسی مسئله غیریت و ضدیت را از منظر لاکلو و موف تقویت می‌کند.



سمت راست: تصویر شماره ۲۱، گنبد شاه خراسان، فالنامه درسدن، (پورا کبر، ۱۳۹۶: ۱۲۶)
سمت چپ: تصویر شماره ۲۲، قدمگاه امام رضا(ع)، فالنامه پراکنده (Farhad, ۲۰۰۹: ۱۳۷)
وجه استعاری و اسطوره

گفتمان مسلط صفوی برای پوشش بحران‌های درون گفتمانی خود ناچار بود از گفتمان‌های جایگزین استفاده نماید تا یک فضای آرمانی را به مردم جامعه القا نماید در نتیجه شروع به

اسطوره‌سازی می‌نماید. نتیجه آن که دال مرکزی تشیع و دال‌های شناور آن گفتمان جایگزین که حول محور اعتقاد به ظهور منجی، اعتقاد به معجزه و امور خارق‌العاده ائمه اطهار (ع) و تقویت مناسک مذهبی از جمله محرم و صفر است که هر یک به نوبه خود وجوه استعاری و آرمانی پیدا نمودند. مثلاً مردم چه خواص و چه عوام برای زمینه‌سازی ظهور، به ساختن اسطبل برای اسب امام اقدام کردند تا در لحظه ظهور حضرت آماده باشند یا شاه طهماسب اول خواهر خود را مجرد نگاه‌داشته بود تا به عقد امام در بیاورد (پیرمرادی و دیگران، ۱۴۰۰: ۵۴۱).

مراسم عزاداری دهه اول محرم نیز در دولت صفوی وارد مرحله دیگری می‌شود و شاه و دربار و نیروی قزلباش به صورت مؤثر در این مراسم شرکت نموده و وجهه رسمی به آن می‌دهند اما در بین مردم عادی وجوه استعاری رواج پیدا می‌کند همان‌گونه که کمپفر در کتاب خود می‌نویسد: «این عزاداری ده روزه به عاشورا ختم می‌شود و در این روز مردم به صورت دسته‌جمعی تابوت امام مقتول و بقیه شهدا را حمل می‌کنند و بر سر خود که تازه تراشیده‌اند زخم می‌زنند تا این قتل شرم‌آور را به صورت محسوس مجسم کرده باشند.» (کمپفر، ۱۳۶۳: ۱۸۱). واقعه‌ی غدیر و مسئله جانشینی پیامبر (ص)، کرامات حضرت علی (ع) از جمله جابجایی درب خیبر، مصافحه و معجزه و معجزه تبدیل شدن به یک جسم و روح با پیامبر اکرم (ص)، لقب اسدالله و شمشیر دو لبه ایشان، همین‌طور ترکیب داستان افسانه‌ای اسطوره‌ای مثل جنگ ازدها با امام علی (ع) همه نشان از تبدیل به استعاره و رمزگونگی این امام دارد. اشکال آرمانی و وجوه استعاری شکل گرفته در گفتمان صفوی در نگاره‌های مصور شده این دوره به وفور یافت می‌شود (تصاویر شماره ۲، ۳، ۴، ۱۱، ۱۲، ۱۳ و ۲۰).

اعتقاد به ظهور منجی را می‌توان در نگاره ورود دجال دید (تصویر شماره ۲۳). در این نگاره دجال که یکی از نشانه‌های آخرالزمان و نزدیک شدن ظهور ولی عصر (عج) است، در وسط تصویر سوار بر خر سفیدرنگ مشاهده می‌شود. در پشت سر او شیطان پرچمی قرمز رنگ را برافراشته و در اطراف دجال مردم در حال رقص و پایکوبی و نواختن موسیقی هستند. بر اساس باور شیعیان قبل از ظهور ولی عصر، دجال خروج می‌کند و ادعای خدایی دارد و برخی از مردم نیز با او همراه و همدل می‌شوند تا به دست ولی عصر کشته می‌شود سپس عدل و داد در زمین پراکنده می‌شود.

در نگاره "امام رضا(ع) مردم دنیا را نجات می‌دهد" بر وجوه اسطوره‌ای امام هشتم تأکید شده است (تصویر شماره ۲۴). گرچه داستان مستتر در این نگاره حقیقت نداشته، اما می‌تواند اشاره‌گر به فرازی از دعای توسل باشد که در سفرها و گذر از کوه و دریا امام رضا (ع) را به استمداد انسان می‌طلبد. در این نگاره امام رضا(ع) با روبند و هاله تقدس سوار بر اسب نشان داده شده که به جنگ دیو دریا رفته و نیزه خود را در شکم غول فرو نموده‌اند. مردم در دریا در حال غرق شدن هستند و امام رضا(ع) به یاری ایشان رفته‌اند. اندازه دیو به عنوان نماد شر بزرگتر نشان داده شده تا بر اهمیت کار امام بیفزاید.



سمت راست: تصویر شماره ۲۳، دجال، فالنامه پراکنده (Farhad, ۲۰۰۹: ۱۸۴)
سمت چپ: تصویر شماره ۲۴، نجات مردم دریا توسط امام رضا(ع)، فالنامه پراکنده (Farhad, ۲۰۰۹: ۱۳۳)

در نگاره "زینب کذاب" نیز بر جایگاه والا و اسطوره‌ای امام رضا(ع) تأکید شده است. در این داستان زنی به نام زینب مدعی بود از ذریه فاطمه زهرا(س) است، اما امام رضا(ع) فرمودند این زن کذابه و دروغگو است. زینب سیادت امام رضا(ع) را تکذیب کرد. امام رضا(ع) گفتند او را نزد درندگان بیندازید زیرا درندگان به ذریه فاطمه زهرا(س) آسیبی نمی‌رسانند. زینب گفت: اول تو برو! امام وارد شدند و تمام درندگان نشستند و زن به محض وارد شدن دریده شد. این داستان در فالنامه طهماسبی هر دو نسخه‌ی پراکنده و درسدن تصویر شده است (تصویر شماره ۲۵ و ۲۶).



سمت راست: تصویر شماره ۲۵، زینب کذابه، فالنامه پراکنده (Farhad, ۲۰۰۹: ۱۷۱)
 سمت چپ: تصویر شماره ۲۶، نشان علی بن موسی الرضا (ع)، فالنامه درسدن، (پوراکبر، ۱۳۹۶: ۹۸)

نگاره‌ی "تابوت حضرت علی (ع)" وجود علم لدنی و آگاهی از غیب امامان شیعه را نشان می‌دهد که به ایشان وجوه استعاری می‌بخشد. این نگاره اشاره به آگاه بودن امام علی (ع) نسبت به زمان مرگ خود دارد و وصیت ایشان که جسد را پس از شستن و کفن در تابوتی قرار دهند و بر پشت شتری گذارند و آن را به شخص تقابرداری بسپارند و برگردند. امام حسن (ع) و امام حسین (ع) چنین می‌کنند تا این که متوجه می‌شوند آن شخص خود امام علی (ع) است. این داستان نشان از کرامات ائمه دارد. در نگاره در قسمت پایین و جلوی تصویر شتری در حال حمل تابوت دیده می‌شود و امام علی (ع) با لباس و روبند و هاله دور سر آن را هدایت می‌کند. در قسمت بالا سمت راست امام حسین (ع) و امام حسن (ع) نظاره‌گر این صحنه هستند. «بر اساس گزارش سفرنامه‌نویسان، گرداندن تابوت حضرت علی (ع) در مراسم مذهبی یکی از نمایش‌های رایج مذهبی در دوران صفویه بوده است» (مهدی‌زاده، ۱۳۹۹: ۱۲۴).



تصویر شماره ۲۷، تابوت امام علی (ع)، فالنامه پراکنده (Farhad, ۲۰۰۹: ۱۲۷)

زمان مند و مکان مند بودن گفتمان‌ها

گفتمان‌ها در زمان و مکان وجود دارند و برای بررسی آنها حتما باید محدوده زمان و موقعیت جغرافیایی آنها را مدنظر قرار دارد (سلطانی، ۱۳۸۳: ۱۶۷). گفتمان صفوی در ابتدای قرن نهم با برجسته‌سازی مذهب (تشیع) و ملیت (ایرانی) شروع به شکل‌گیری می‌کند بنابراین هویت غیر ایرانی طرد و به حاشیه رانده می‌شود. سپس گفتمان هژمونیک با تأکید بر جنبه‌های مذهب شیعه، وجه تمایزی میان خود و دیگری ایجاد می‌کند (مرتضوی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۶۴). در نتیجه گفتمان حول هویت ملی ایرانی و مذهب تشیع در مکانی خاص (ایران) و در زمانی خاص (قرن ۹ تا ۱۱ ه‍.ق) معنای گفتمانی می‌یابد. علاقه‌ی شاهان صفوی بخصوص شاه طهماسب منجر به تولید فالنامه‌های مصور در کارگاه‌های هنری صفوی شد. آنچه برساخته فرهنگی ایران صفویه بوده و در آن دوره هژمونی یافته در تولیدات فرهنگی جامعه نمود می‌یابد؛ در نتیجه معانی تثبیت شده توسط گفتمان حاکم بر جامعه و فرهنگ ایران در زمان صفویه که حول محور تشیع شکل گرفته در فالنامه‌ی طهماسبی بازتولید شده‌اند (تصاویر ۱ الی ۲۸).

با توجه به مطالب ذکر شده و نگاره‌های مورد تحلیل، در جدول شماره ۱ نمود تصویری گفتمان حاکم در دوره صفوی بر اساس عناصر گفتمان لاکلو و موف، در فالنامه‌ی طهماسبی نسخه پراکنده و مجموعه‌ی محفوظ در کتابخانه درسدن آمده است. این جدول نشان می‌دهد

نمونه‌های مورد بررسی بیش از یک عنصر گفتمانی را در خود داشته و در برخی از نگاره‌ها تعداد موارد قابل توجهی از عناصر گفتمان لاکلو و موف قابل تشخیص است.

جدول شماره ۱، نمود تصویری گفتمان حاکم در دوره صفوی بر اساس عناصر گفتمان لاکلو و موف، مأخذ:

نگارندگان

عناصر گفتمان لاکلو و موف	دال و مدلول	هژمونی و تثبیت معنا	قدرت	هویت	غیریت و ضدیت	وجوه استعاری و اسطوره	زمانمندی و مکانمندی
گفتمان صفویه	گفتمان شیعی، عدل و امامت و معاد	ولایت حاکم، باور به کرامات ائمه، توسل به ائمه، باور به شفاعت ائمه	جهاد و مجاهد، ولایت و جانشینی	پیوند مذهب با هویت ایرانی	کمرنگ کردن سفر مکه، بازسازی بارگاه امام رضا،	اعتقاد به معجزه، مراسم مذهبی، واقعه غدیر، انتساب امور خارق‌العاده به ائمه	مذهب شیعه در قرن ۹ تا ۱۱
نمود تصویری در نگاره‌ها	تصاویر ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷ و ۸	تصاویر ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴ و ۱۶	تصاویر ۲، ۳، ۱۳ و ۱۴	تصاویر ۱۸، ۱۹ و ۲۰	تصاویر ۲۱ و ۲۲	تصاویر ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷ و ۲۸	تصاویر ۱ الی ۲۸

نتیجه گیری

بنابر آنچه دریافت شد نظریه گفتمان توانایی تحلیل اغلب تحولات متداول در برهه‌های گوناگون حیات بشری را دارد؛ همچنین نظریه لاکلو و موف به شکل کارآمد توانایی شناخت دال‌های اصلی و شناور گفتمان‌ها را امکان‌پذیر می‌سازد. در واقع این نظریه به مثابه ابزاری برای تحلیل گفتمان‌های هژمونیک مورد استفاده قرار گرفته و ادامه استیلای آنان را بر ساحت اجتماع، سیاست و فرهنگ نشان می‌دهد. گفتمان صفوی که حول محور دال مرکزی تشیع

مفصل‌بندی می‌شود؛ هویت ملی مبتنی بر مذهب و ملیت ایرانی به جامعه ایران صفوی را هویت بخشیده و انسجام دهنده آن در برابر غیر (همسایگان سنی مذهب) بوده است. صفویه برای مشروعیت بخشی به گفتمان خود به شکل دهی افکار اجتماعی و برساخته کردن فرهنگ مردم روی آورده و معانی خود را هژمونی بخشیده و تثبیت نموده است.

طبق نظریه لاکلو و موف دال و مدلول در دوره صفوی حول محور تشیع، امامت و منجی و با تأکید بر سه اصل عدل، معاد و امامت که از اصول تفکر شیعی بوده شکل گرفته است. با شکل‌گیری این دال‌ها حوزه گفتمان‌گونگی صوفیان و اهل تسنن نتوانستند به اجماع گفتمانی برسند و در نتیجه گفتمان جدید صفوی جایگزین این حوزه‌های گفتمانی شد. سپس با استفاده از مذهب شیعه و ملیت ایرانی آراء خود را تثبیت نمود. این تغییرات در ساحت سیاست و اجتماع صفوی باعث برساخته شدن فرهنگ نیز شد و مفاهیم مدنظر شیعه از جمله باور به کرامات ائمه و متوسل شدن به آنان، باور به شفاعت و داوری ائمه در روز قیامت و همچنین لزوم حاکم عادل در زمان غیبت ولی عصر (عج) در تمام وجوه فرهنگی این دوره از جمله هنرهای تصویری و نگارگری تأثیر گذاشت. در فرهنگ عامه نیز این تأثیرات همراه با اعتقاد به تعبیر خواب، استخاره، فال قرآن، فال تسیب و فالنامه‌ها رواج یافت. قدرت و هویت گفتمان صفوی با اتکاء به مذهب شیعه از یک سو (اشاره به داستان‌های غدیر خم و رابطه پیامبر و امام علی (ع)) و هویت ایرانی از سوی دیگر شکل گرفت و در نتیجه هویت ملی با مذهب و سلطنت حاکمان صفوی درآمیخت. هویت شیعه در ایران صفوی با حکومت عثمانی در غیریت و ضدیت بوده است؛ همچنین گفتمان صفویه برای تثبیت خود به استفاده از وجوه استعاره‌ای و اسطوره‌سازی روی آورده و با تقویت مناسک مذهبی، اعتقاد به معجزه و امور خارق‌العاده ائمه بر این وجه اسطوره‌ای تأکید نموده است.

از آنجا که فالنامه‌های مصور در کارگاه‌های سلطنتی مصور شده‌اند تحت تأثیر گفتمان حاکم و برساخته فرهنگ این دوره بوده و عناصر گفتمان حاکم را با مضامینی مانند جانشینی حضرت علی (ع) به تأکید پیامبر (ص)، شفاعت ائمه در روز قیامت، وجوه خارق‌العاده امام علی (ع) و امام رضا (ع)، تأکید بر زیارت بارگاه امام رضا (ع) و سایر مناسک مذهبی و همچنین مشروعیت بخشی به حکومت سلطان از طریق به تصویر کشیدن شخصیت‌های مذهبی با کلاه قزلباش و در نتیجه درهم آمیختن هویت ملی با مذهب شیعه بازنمایی کرده‌اند؛ بنابراین می‌توان

گفت معانی تثبیت شده توسط گفتمان حاکم بر جامعه و فرهنگ ایران در زمان صفویه که حول محور تشیع شکل گرفته در مضامین نگاره‌های فالنامه‌ی طهماسبی (نسخه‌ی پراکنده و درسدن) بازتولید شده‌اند.

کتاب‌نامه

۱. احمدی، حسین. «از تاریخ فرهنگ تا تاریخ فرهنگی». راهبرد فرهنگ. ۱۳۹۹. ۵۰: ۱۶۹-۱۴۳.
۲. افتخاری، اصغر. «شرعی سازی قدرت سیاسی؛ درآمدی بر جایگاه امنیت در اندیشه و عمل فقهای شیعه در عصر صفویه». فصلنامه مطالعات راهبردی. ۱۳۸۳. ۲۴: ۲۷۵-۲۹۸.
۳. افروغ، عماد. «چند پرسش اساسی پیرامون فرهنگ و نظریه فرهنگ». دوفصلنامه دین و سیاست فرهنگی. ۱۳۹۴. ۴: ۲۲-۷.
۴. انصاری، ابراهیم. «نظریه‌های قشربندی اجتماعی و ساختار تاریخی آن در ایران». اصفهان: دانشگاه اصفهان. ۱۳۷۸.
۵. آشوری، داریوش. تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ. تهران: مؤسسه اسناد فرهنگی آسیا. ۱۳۷۵.
۶. بوغوسیان، پل. هراس از معرفت. ترجمه یاسر میردامادی. تهران: کرگدن. ۱۳۹۵.
۷. پوراکبر، آرش. فالنامه‌ی طهماسبی. تهران: فرهنگستان هنر. ۱۳۹۶.
۸. پورگنسن، ماریان و فیلیپس، لوئیز. نظریه و روش در تحلیل گفتمان. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نی. ۱۳۸۹.
۹. پیرمرادی، علی و علی‌رحیمی، صادق و خراسانی‌پاریزی. «بررسی تحلیلی باورها، اعتقادات و آداب و رسوم شیعیان در سفرنامه‌های عصر صفویه». فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران. ۱۴۰۰. ۱: ۵۵۰-۵۲۹.

۱۰. تامپسون، جان بروکشایر. ایدئولوژی و فرهنگ مدرن، نظریه اجتماعی انتقادی در عصر ارتباطات توده گیر. ترجمه مسعود اوحدی. تهران: مؤسسه فرهنگی آینده پویان. ۱۳۷۸.
۱۱. چیت‌ساز، شقایق. «مطالعه روابط گفتمانی موتیف‌های زیورآلات معاصر». پایان‌نامه دکتری: دانشکده هنر دانشگاه الزهرا. ۱۳۹۸.
۱۲. حبیبی کردعلیوند، پروین. «تحلیل گفتمان پیدایش و تحول تصوف صفوی (از شیخ صفی تا شیخ حیدر سال ۷۰۰ تا ۸۹۳ق)». فصلنامه تاریخ اسلام. ۱۳۸۵. ۱۰: ۱۶۷-۱۳۹.
۱۳. دلیر، نیره. «گفتمان ظل‌اللهی در تاریخ نگاری عصر صفوی». دوفصلنامه ستاره‌های تاریخی. ۱۴۰۰. ۲: ۷۹-۱۰۰.
۱۴. رشیدی، علیرضا و شرفی، محبوبه و فروزشی، سینا. «نقش الگوی هژمونی فرهنگی با محوریت عصیبت قومی و مذهبی در یکپارچگی و گفتمان سیاسی ایران صفوی». فصلنامه تاریخ. ۱۴۰۱. ۶۷: ۱-۱۵.
۱۵. رضایی‌پناه، امیر و قنواتی، نگار. «جایگاه و کارکردهای شاه در گفتمان سیاسی عصر صفوی». تاریخ‌نامه خوارزمی. ۱۳۹۳. ۲: ۶۹-۵۰.
۱۶. سلطانی، سیدعلی اصغر. «تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش». فصلنامه علوم سیاسی. ۱۳۸۳. ۲۸: ۱۸۰-۱۵۳.
۱۷. سیدبنکدار، سیدمسعود. «بررسی جایگاه و عملکرد تاج قزلباش در تحولات سیاسی دوره صفویه». فصلنامه شیعه شناسی. ۱۳۹۵. ۱۴: ۲۱۸-۱۹۵.
۱۸. طاهریان، عارفه. «بررسی نفوذ اندیشه‌های کلامی سיעی در شعر دوره صفویه با روش تحلیل گفتمان». پایان‌نامه دکتری: دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان. ۱۳۹۲.
۱۹. قجری، حسینعلی و نظری، جواد. کاربرد تحلیل گفتمان در تحقیقات اجتماعی. تهران: نشر جامعه‌شناسان. ۱۳۹۲.
۲۰. کسرابی، محمدسالار و پوزش شیرازی، علی. «نظریه گفتمان لا کلا و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین دیده‌های سیاسی». فصلنامه سیاست. ۱۳۸۸. ۳۹: ۳۶۰-۳۳۹.

۲۱. کشاورز، زهراسادات و چلونگر، محمدعلی و منظرالقائم، اصغر. «تبیین و تحلیل نقش طبقات اجتماعی در فرآیند تمدن دولت صفویه». فصلنامه تاریخ اسلام و ایران. ۱۳۹۶. ۲۷: ۳۴. ۱۳۹-۱۶۷.

۲۲. کمپفر، انگبرت. سفرنامه. ترجمه کیکاوس جهان‌داری. تهران: خوارزمی. ۱۳۶۳.

۲۳. لشگری تفرشی، احسان. «شناخت مؤلفه‌های آئین تشیع در برساخت انسجام اجتماعی در ایران عصر صفوی». فصلنامه ژئوپلتیک. ۱۹۰۰. ۱۹: ۱: ۱۵۱-۱۳۱.

۲۴. لکلائو، ارنست و موفه، شان‌تال. هژمونی و استراتژی سوسیالیستی به سوی سیاست دموکراتیک رادیکال. ترجمه محمد رضائی. تهران: نشر ثالث. ۱۳۹۲.

۲۵. مرتضوی، سیدخدیار و رضائی حسین‌آبادی، مصطفی و قرائتی، اردوان. «گفتمان تشیع و برسازای هویت ملی در ایران عصر صفوی». پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام. ۱۳۹۴. ۵: ۳. ۱۵۷-۱۸۳.

۲۶. مقدمی، محمدتقی. «نظریه تحلیل گفتمان لاکلو و موف و نقد آن». معرفت فرهنگی اجتماعی. ۱۳۹۰. ۲: ۲. ۹۰-۱۲۴.

۲۷. مهدی‌زاده، علیرضا. «بررسی روند تجلی مضامین شیعی در نگارگری ایران. دوماهنامه پژوهش در هنر و علوم انسانی». ۱۳۹۶. ۳: ۳. ۵۷-۳۹.

۲۸. _____. فالنامه تهماسبی. تهران: سوره مهر. ۱۳۹۹.

۲۹. نقیب‌زاده، احمد و خشک‌جان، زهرا. «کنش اجتماعی از منظر معنا و برساخت‌گرایی اجتماعی». فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل. ۱۳۹۲. ۷: ۴۲-۱۰.

۳۰. واحد‌هکردی، فرزانه. «تحلیل نمود گروتسک در فالنامه‌های مصور بر اساس آراء کایزر، باختین، هارفام و کوریلوک». پایان‌نامه دکتری: دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اصفهان. ۱۴۰۱.

۳۱. _____. «تحلیل نمود گروتسک در نگاره دابه‌الارض در فالنامه‌ها بر اساس آرائی باختین»، باغ نظر. ۱۴۰۱.

1. Burr, V. (1995). An introduction to social constructionism. London : Sage.
2. Farhad, Massumeh & Bagci, Serpil. (2009). Falnama : The Book of Omen, the Arthur M. Sackler and free Gallery of art, Smithsonian Institution : Washington D.C.
3. Laclau, E., & Mouffe, C. (1985). Hegemony and Socialist Strategy : Towards a Radical Democratic Politics. London : Verso.